

## تحلیل

## گام جدی بریکس برای انجام معاملات بدون دلار

کشور ما می‌تواند با یوان چین و ارزهای دیگر کشورهای بریکس، معاملاتی دو جانبه داشته باشد



علی اکبر فرزای  
سفیر سابق ایران در رومانی،  
مجارستان و قزرس

پذیرش ایران برای عضویت در بریکس یا هر سازمان و مجمع بین‌المللی و چند جانبه‌ای مفید و درخور تحسین است. ذات اینکه به طرف عضویت در سازمان‌های چند جانبه حرکت کنیم، خصوصاً در رابطه با اقتصاد کشور اقدامی مثبت به حساب می‌آید و باید آن را به فال نیک گرفت. بریکس یک گروه بین‌المللی در حال توسعه محسوب می‌شود که به لحاظ پراکندگی جغرافیایی تقریباً از تمام قاره‌های جهان کشورهای را به عنوان عضو پذیرفته است. یکی از مهم‌ترین مزایای آن برای کشور ما قرار گرفتن در جمع کشورهای است که به لحاظ سیاسی و بین‌المللی در حال توسعه هستند. این موضوع خود به تنهایی مشوقی خواهد شد تا موانع دست و پاگیر رشد و توسعه از جلوی پای فعالان اقتصادی برداشته شود و زمینه حضور بیشتر در بازارهای جهانی فراهم آید.

البته این مشوق برای بخش دولتی هم کاربرد دارد، زیرا می‌تواند در بازارهای دیگر کشورهای به عنوان عضو بریکس حضور فعال‌تری نشان دهد. بنابراین حضور در گروه بین‌المللی می‌تواند آثار و تبعات مثبتی برای ایران به همراه داشته باشد، به شرط آنکه آگاهانه عمل شود که برای این امر دارا بودن از علم کافی در این خصوص قدم اول به حساب می‌آید. به صورت کلی اتفاق مبارکی است، به شرط آنکه در چهارچوب‌های مبادلات بین‌المللی کار با بده بستان پیش برود.

همان‌طور که اشاره شد، حضور در بریکس مانند تمام مجموعه‌های چند جانبه دیگر مفید واقع خواهد شد، اما باید نکاتی را در این رابطه مورد توجه قرار داد. ابتدا باید توقع خود را از حضور در سازمان‌های چند جانبه مشخص کرد و با برداشتی واقع‌بینانه گام‌ها را به جلو برد. معمولاً برخورد ما با پدیده‌ها به دو گونه است: گاهی رفتار احساسی و ژورنالیستی از خود بروز می‌دهیم و عواطف را در آن دخیل می‌کنیم و گاهی هم با منطق پیش می‌رویم.

واقعیت این است که بریکس مجموعه مهمی محسوب می‌شود و همان‌طور که اشاره کردم کشورهای در حال توسعه پراهمیتی مانند چین، روسیه، هند، برزیل و آفریقای جنوبی در آن فعالیت دارند. این کشورها دارای اقتصادهای شکوفایی هستند که شرایط آنها روز به روز بهتر می‌شود، پس حضور ما در کنار آنها به تعریف سازگارماناسی نیاز دارد تا این قدم مثبت همراه با دستاورد باشد، زیرا این مهم با نوشتن انشا به دست نخواهد آمد. نکته دیگر این است که بریکس مجموعه یکدستی نیست و دسترسی به یک منشور واحد از سوی تمامی اعضا زمانبر خواهد بود. در برخی از رسانه‌ها بحث دلارزدایی مطرح می‌شود و این را امر مبارکی می‌بینند، اما واقعیت این است که ما در زمینه ارتباطات دو یا چند جانبه با ارز محلی به مقدار محدودی می‌توانیم معاملات داشته باشیم، اما به معنای آن نیست که جایگزین ارز بین‌الملل شود. طبق آمار سازمان اقتصادی بین‌المللی، سهم دلار در سبد پرداخت بین‌المللی به ۴۶.۵ درصد رسیده و این در حالی است که در همان مدت سهم یورو ۲۴ درصد کاهش داشته و فراموش نکنیم که سهم یوان در پرداخت‌های سوئیفت و در بهترین حالت آن فقط ۳ درصد بوده است.

البته کشور ما می‌تواند با یوان چین و ارزهای دیگر کشورهای بریکس معاملاتی دوجانبه داشته باشد، اما در سطح معاملات بزرگ چه عضو بریکس باشیم و چه نباشیم، چاره‌ای جز اتصال به سوئیفت نداریم. بانک مرکزی به درستی می‌داند که با آمار و ارقام نمی‌توان شوخی کرد. به یاد داشته باشیم که هموار کردن سازگاری در بند ۲۱ پیمانیه پایانی بریکس که از ایران دعوت به عمل آورده، بر این نکته تأکید داشته است که ایران مشکل برجام را برطرف کند، بنابراین باید در نظر داشت برداشتن این موانع از سوی ایران می‌تواند حضور کشور در گروه‌هایی مانند بریکس و سازمان‌های چند جانبه بین‌المللی را تسریع بخشد.

البته نظراتی درباره پیام‌رسان مالی جایگزین سوئیفت به نام‌های مختلف مطرح شده و در اجلاس‌های قبلی هم صحبت از ایجاد سازگاری جدید به میان آمده بود. اینکه کشورها تلاش می‌کنند از زیر سلطه دلار خارج شوند امر خوبی است، اما واقع‌بینانه آن این است که ایجاد سازگاری بین‌المللی مالی جدید به همکاری تمام کشورها نیاز دارد و این کشورها باید آن را فراهم کنند که در کوتاه‌مدت ممکن نمی‌شود. در کنار این مسأله، یکی از مباحثی که درباره بریکس مطرح است بحث انرژی است. نفت و گاز سازگار خود را دارد و در اوپک سقف تولید تعیین شده است که بر اساس آن می‌توان اقدام کرد، کسی هم نمی‌تواند سقف تولید ما را به اجبار کاهش یا افزایش دهد و در صورتی که مشتری‌های جدیدی جذب شوند، این حق را دارا هستیم که بر اساس سقف تولید و طبق چهارچوب اوپک پیش برویم، اما موضوع تحریم‌ها بحثی است که باید مورد توجه قرار گیرد. درباره بانک توسعه بریکس هم به همین شکل باید مطرح کرد که بانک‌ها باید مستقل باشند تا بتوانند در چهارچوب هزینه و فایده خود عمل کنند. قاعدتاً بانک توسعه نیز همین روال را در پی می‌گیرد. بانک‌ها نمی‌توانند نگاه سیاسی به کار داشته باشند و صرفاً با نگاه اقتصادی پیش می‌روند که موضوع هزینه و فایده بسیار مورد توجه است، پس در کارهای سودآور قطعاً وارد خواهند شد.

# ارزش ریال در کمتر از پنج سال تقویت می‌شود

ارزش ریال ایران می‌تواند در یک دوره ۵ تا ۱۰ ساله به سطوح مناسب بازگردد

## گفت‌وگو

پروفیسور «فیلیپ آگیون»، استاد دانشگاه هاروارد و مشاور عالی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، معتقد است در کمتر از پنج یا ده سال در کشوری

مانند ایران که از نیروی کار بسیار ماهر برخوردار است و دانشگاه‌های بسیار خوبی هم دارد، می‌توان شاهد تقویت ریال بود.

«فیلیپ آگیون» (Philippe Aghion)، استاد اقتصاد کالج فرانسه و مدرسه اقتصادی لندن است. وی همچنین استاد دانشگاه هاروارد بوده است. علاوه بر این، وی در دانشگاه‌های MIT، کالج لندن و آکسفورد تدریس کرده است. آگیون عضو انجمن اقتصادی، انجمن هنر و علوم آمریکا و در سال ۲۰۱۶، توسط بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد، به عنوان عضو گروه تخصصی‌ای که به کمیسیون عالی اشتغال و رشد اقتصادی مشاوره می‌دهد، منصوب شد که توسط «فرانسوا اولاند»، رئیس‌جمهور اسبق فرانسه و «ژاکوب زوما»، از آفریقای جنوبی، ریاست مشترک داشتند. در سال ۲۰۲۱، او به عضویت گروه مشاوران عالی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در زمینه بهبود و رشد پایدار و فراگیر، همچنین به ریاست مشترک ماری پانگستو، سیلا پازاریاسی اوگلو و نیکلاس استرن منصوب شد. آگیون در سال ۲۰۰۱ میلادی جایزه بهترین اقتصاددان زیر ۴۵ سال اروپا را دریافت کرد.

کتاب مشترک وی با عنوان «قدرت تخریب خلاق: تحول اقتصادی و ثروت ملل» که با همکاری «سلین آنتونین و سیمون بونل»، نوشته شده است به تحولات اقتصادی جهان پرداخته است و به سؤالات

رشد درون‌زا» و درحالی‌که آثار دیگر بر جنبه خاصی مانند تجارت یا همگرایی تأکید دارند، نظریه جامعی از بحث‌های نظری و تجربی مطرح شده در قالب نظریه رشد مدرن را ارائه می‌دهد.

او در این کتاب می‌نویسد: «اقتصادهای پیشرفته از زمان انقلاب صنعتی، افزایش فوق‌العاده‌ای در رفاه مادی تجربه کرده‌اند. نوآوری‌های مدرن مانند رایانه‌های شخصی، جراحی لیزری، هواپیماهای جت و ارتباطات ماهواره‌ای، ما را ثروتمند کرده و شیوه زندگی و کار ما را متحول کرده است. اما تغییرات تکنولوژیک، مشکلات اجتماعی مختلفی را نیز به همراه داشته است. در مقاطع مختلف علت افزایش نابرابری دستمزد و درآمد، بیکاری، فرسودگی سرمایه فیزیکی و انسانی، و خامت محیط زیست و رکودهای طولانی مدت بوده است.

برای درک تأثیرات متناقض تغییرات تکنولوژیکی بر اقتصاد، باید جزئیات ساختاری فرایند نوآوری را بررسی کرد تا چگونگی تأثیر قوانین، نهادها، آداب، رسوم و مقررات بر انگیزه

و توانایی مردم برای ایجاد دانش جدید و کسب سود از آن را تحلیل کرد. برای نشان دادن اینکه چگونه می‌توان این کار را انجام داد، «فیلیپ آگیون» و «پیتر هویت» از مفهوم تخریب خلاقانه شومپیتر استفاده می‌کنند، فرایند رقابتی که در آن کارآفرینان دائماً به دنبال ایده‌های جدیدی هستند که ایده‌های رقبای را منسوخ می‌کند. متن زیر حاصل گفت‌وگویی با «فیلیپ آگیون»، استاد دانشگاه هاروارد و مشاور عالی بانک جهانی است که از نظر می‌گذرد:

● شما کتابی با عنوان «نظریه رشد درون‌زا» نوشته‌اید که توسط مؤسسه تکنولوژی ماساچوست آمریکا (MIT) منتشر شده است. سؤال اصلی و فرضیه شما در این کتاب چه بوده است؟

این کتاب در مورد «تخریب خلاق» (creative destruction) به عنوان موتور اصلی رشد و توسعه است. تخریب خلاق فرایندی است که در آن نوآوری‌های جدید جایگزین فناوری‌های قدیمی می‌شوند. رشد

از طریق تخریب خلاق، متضمن این تناقض است. از یک سو، این چشم‌انداز رانت‌های نوآوری است که شرکت‌ها و افراد را به نوآوری تشویق می‌کند. اما از سوی دیگر، مبتکران دیروز و سوسه می‌شوند که از رانت‌های نوآوری خود برای جلوگیری از نوآوری‌های بعدی استفاده کنند، زیرا نمی‌خواهند خود در معرض تخریب خلاقانه قرار بگیرند. موضوع مهم در اینجا این است که چگونه این تناقض را مدیریت کنیم؟ و در این میان نقش دولت و جامعه مدنی چیست؟

● در مدل‌های جهانی آگریک اقتصاد پس از یک دوره چندساله رشد منفی یا صفر، شروع به رشد مثبت می‌کند، چقدر زمان لازم است تا آثار مثبت آن نمایان شود؟

همه چیز به نهادها و سیاست‌ها بستگی دارد. برای محافظت از رانت‌های نوآوری نیاز به حمایت خوب از حقوق مالکیت است اما همچنین به آموزش نیاز دارد زیرا نیروی کار بی‌سواد بعید است که نوآوری کند و فناوری‌های پیشرفته‌تر

## ایجاد زمینه فعالیت بانک‌ها در ۴ حوزه تخصصی

شرایطی باید فراهم شود تا از صوری بودن قراردادهای اعتباری جلوگیری به عمل آید

## تحلیل

## محمد کهندل

اقتصاددان و تحلیلگر مسائل اقتصادی

منابعی به بخش‌های مختلف اقتصادی بر اساس اهداف تعیین شده، تزریق می‌شود، اما برای به هدف رسیدن دقیق این منابع، باید دو موضوع مدنظر قرار گیرد. ابتدا نیاز است، قراردادهایی که با دریافت تسهیلات از سوی سیستم بانکی به امضا می‌رسد، فرم واقعی به خود بگیرد. به این معنا شرایطی فراهم شود که از صوری بودن قراردادهای اعتباری جلوگیری به عمل

آید، متأسفانه در حال حاضر از این مسأله به صورت یک معضل در سیستم بانکی نام می‌برند و این موضوع بسیار پُراهمیت است. البته واقعی بودن قراردادهای نیاز به مهیا ساختن شرایطی دارد که باید مورد توجه باشد و این دقت هم صرفاً با توسل به ابزار قهریه صورت نمی‌پذیرد که در این صورت، عملاً موفقیتی به دست نخواهیم آورد، زیرا شرایط فرار از آن امکان‌پذیر می‌شود. سیستم بانکی باید از مجموعه اطلاعاتی درباره مزیت‌های اقتصادی و میزان سودآوری و بهره‌برداری هر بخش از اقتصاد و صنایع مختلف که روزآمد شود، برخوردار باشد، این موضوع به

واقعی بودن قراردادهای کمک می‌کند، زیرا فهم بانک را از میزان سودآوری بالا می‌برد. بر همین اساس، باید سیستم اطلاعات مدیریت کارآمدی از بخش واقعی اقتصاد، برای بانک ایجاد شود و بانک خود را یک مجموعه جدا از بخش اقتصاد نداند. بدون داشتن این اطلاعات، در عمل تسهیلاتی بدون آگاهی لازم اختصاص پیدا می‌کند که دیگر مشارکت به حساب نمی‌آید و عقود، غیرمشارکتی یا معاملاتی خواهد بود.

بانکی که در صد ارائه تسهیلات است، باید در یک فضای روشن این کار را انجام دهد، این فضا همان میزان سودآوری پروژه است. به این معنا،